

نگاهی پدیدارشناسانه به رخداد کربلا

باسمه تعالی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

نظر به کربلا و قرار گرفتن در اصیل ترین حضور

۱- اگر رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» خود را در آن «وقت» محمدی بدون هر واسطه‌ای در معیت الهی احساس کردند و فرمودند: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ» در آن موقعیت و در آن «وقت» که مواجهه‌ای بود بین آن حضرت و حضرت حق، هیچ پیامبر مرسلی و هیچ فرشته مقرّبی در میان نبود، ما نیز باید به «وقت» خود نظر کنیم که چگونه برای مان پیش می‌آید که در گفتگوی با خدا باشیم؟ آیا با حضوری در نزد خود بدون هرگونه مانعی آن «وقت» و آن قرب برای ما به ظهور می‌آید که ما باشیم و میقاتی که می‌توانیم با خدا داشته باشیم؟

در کدام موقعیت است که ما می‌توانیم بدون هر مانعی با «خود» باشیم و خود را به عمیق‌ترین و اصیل‌ترین شکل احساس کنیم؟ رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» به ما خبر داده‌اند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»^۱ شما را در اوقاتی از روزگارتان نفحاتی از طرف پروردگارتان سر می‌رسد، هشیار باشید که خود را در معرض آن نفحات قرار دهید. پس اولاً: باید در جستجو و در انتظار نفحاتی بود که از طرف پروردگاران ما را به خود می‌آورند. ثانیاً: برای رویارویی با آن نفحات باید مواظب بود از عمیق‌ترین و اصیل‌ترین مرتبه احساس خود که همان معیت

بی واسطه با خداوند است، غافل نباشیم تا از آن نفحات که ما را به خود می آورد، محروم نگردیم.

آیا کربلا و صحنه‌های حیرت‌انگیز آن که در آن صحنه‌ها همه واسطه‌ها و ابزارها بی‌فایده شده بود، شرایطی به ظهور نیامد که اصحاب را در اصیل‌ترین حضور به خود آورد، تا «وقت» خود را احساس کنند و با بهره‌مندی از نفحات الهی نوعی گفتگو با خداوند را برای حضور در آینده آغاز کنند؟ و آیا در این زمانه نیز با نظر به کربلا و حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی پیش آمده، ما در آن «وقت» حاضر نخواهیم شد؟

راز آینده‌دارشدنِ نهضتِ اباعبدالله «علیه‌السلام»

۲- آیا از خود پرسیده‌ایم چرا امام حسین «علیه‌السلام» روز عاشورا را باید با امام حسین «علیه‌السلام» روز عرفه شناخت؟ کافی است به فرازهای فوق‌العاده توحیدی «دعای عرفه» توجه کنیم تا بفهمیم آن امامی که در روز عاشورا تا این اندازه استوار است، جان او محل تجلی چه معارف بلند و بلندمرتبه‌ای است. در این رابطه است که می‌یابیم تمام حرکات و سکنات حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» در روز عاشورا، نمایشی از توحیدی‌ترین حرکات و گفتار است. با توجه به این امر است که ادامه‌داربودن و آینده‌داربودن نهضت عاشورا را باید در آینه توحیدی حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» در مقابل امویان مدّ نظر داشت، همچنان که آینده‌داری انقلاب اسلامی را در جهت‌گیری توحیدی آن انقلاب در مقابل استکبار باید دانست و البته باید مواظب جریان‌هایی بود که در صدد خراب کردن امیدهای آینده این انقلاب می‌باشند. آینده‌ای که رهبر معظم انقلاب «حفظه الله تعالی» به خوبی متوجه آن می‌باشند و در توصیه خود با دانشجویان می‌فرمایند: «پرهیز از انفعال و ناامیدی است؛ مواظب باشید؛ یعنی مواظب خودتان باشید، مواظب دلتان باشید، مواظب باشید دچار انفعال نشوید، دچار ناامیدی نشوید. شما

باید کانون تزریق امید به بخشهای دیگر باشید. بله، نابسامانی‌هایی در بخشهای مختلف وجود دارد اما اینها قابل رفع است... تقوا یعنی خود را مرتباً مراقبت کردن و مواظب بودن. مراقب خودتان باشید» (۱۴۰۱/۰۲/۰۶)

امام حسین «علیه‌السلام» و بازگشت به آغاز

۳- امام حسین «علیه‌السلام» به ظاهر، جهانی را به هم ریختند تا برای عبور از شری که همه گیر شده بود، افقی گشوده شود. وقتی مسلمانان در عین رعایت ظاهر اسلامی، گرفتار تنگناهای فرهنگ گذشته بودند و هیچ کاری از کارها، حتی کارهای متدینین به نتیجه نمی‌رسد باید نظر به حرکتی داشت که در بستر اسلام، همه چیز تغییر کند و هر آنچه به صورت عادت‌های دینی در جریان است دگرگون شود. به یمن چنین حرکتی است که آن چه تا کنون با ظاهر دینی به صورت روزمرگی طی می‌شد از ارزش می‌افتد. زیرا آن چه بعد از آن حرکت پیش می‌آید از رهگذر آن چه قبلاً بود ظهور نمی‌کند بلکه با درخششی دیگر و با انسانی دیگر امورات جلو می‌رود و نوری در عالم اسلام به میان می‌آید که آن بازگشت به آغازین است. و این راهی بود که امام حسین «علیه‌السلام» در جهان طاغوت زده‌ی آن زمان گشودند و علت حضور تاریخی خود در آن زمان را برگشت به سیره جدشان و پدرشان عنوان کردند و فرمودند: «أَسِيرٌ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي» و کربلا نشان داد راه کار لازم برای نجات هر نهضتی، آن گاه که در حجاب رود، برگشت به آن آغاز است بدون غفلت از زمانه.

یگانگی بین ما و اصحاب دلاور کربلا

۴- با حضور در انقلاب اسلامی، به عنوان فتحی تاریخی در بستر اسلام در مقابل جاهلیت مدرن، گویا «گذشته» و «حال» در هم می‌آمیزند و ما خود را در کنار مولایمان حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» احساس می‌کنیم که چگونه دلاورانه شمشیر

می‌زدند تا پرده‌های تیره و تاریک جاهلیت اموی را بشکافند. دقیقاً معنای تاریخی آن نوع حضور با حضور در تاریخ انقلاب اسلامی به میان می‌آید، مشروط بر آن که متوجه باشیم در کجا ایستاده‌ایم و چه در پیش رو داریم. در این حالت بیگانگی و یا دوگانگی بین ما و اصحاب دلاور کربلا در میان نخواهد بود و می‌فهمیم «گذشته» رویدادی در زمان «حال» است، زیرا در شرایطی قرار می‌گیریم تا بگذاریم چیزی به ما گفته شود و این گشاده نظری نسبت به تاریخی که در آن قرار داریم، بنیاد آگاهی است که به طور تاریخی عمل می‌کند و می‌یابیم که گذشته تاریخی ما از قبل در نزد ما حاضر بود و ما در این تاریخ با آن میراث مواجه می‌شویم و نسبت به آینده بصیرت می‌یابیم، بصیرت به آنچه در ابتدای امر ظاهر نیست ولی در افق آن رخداد تاریخی نهفته است، هرچند آن‌هایی که در روزمرگی‌ها گرفتارند متوجه آن نیستند زیرا درک آن منوط به تفکر است، تفکری که نظر به «وجود» دارد

دروازه‌های قلعه ایمان در دیروز و امروز ما

۵- اگر اسلام آغاز تاریخی بود در مقابل تاریخ جاهلیت با همه پیچیدگی‌هایی که تاریخ جاهلیت داشت، کربلا نیز در دل تاریخ اسلام، آغازی شد در مقابل همان جاهلیت، با این تفاوت که جاهلیت مقابل امام حسین «علیه السلام» نقاب اسلام به خود زده بود و این جا است که باید متوجه بود حضور در این آغاز، انسان مخصوص به خود را به ظهور می‌آورد که در دیروز «زهیر بن قین‌ها» و «حبيب بن مظاهرها» بودند و امروز چمران‌ها و حاج قاسم سلیمانی‌ها هستند. اینان کسانی‌اند که در فرآیند تاریخی که آغاز شده نقش آفرین می‌باشند. وجود این نوع افراد معنای انسان در هر تاریخی است که آغاز می‌شود، بدون آن که انسان در مواجهه با سیره آنان به دنبال تئوری خاصی باشد، این افراد متفکرین تاریخ خود بوده و هستند و وجود و سیره

آن‌ها جواب پرسش‌های بسیاری است که پیش می‌آید. اینان در هر تاریخی دروازه‌های قلعه ایمان بوده‌اند، قلعه‌های ایمانی که دیروز مولایمان حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» در آن تاریخ برافراشتند و امروز ذیل همان حضرت، این حضرت روح الله «رضوان‌الله تعالی علیه» است که قلعه ایمان را برافراشت تا از همه بحران‌هایی که جهان اسلام را فرا گرفته رهایی یابیم و جهان خود را بسازیم تا از رخداد کربلا و آغازی که آن نهضت به ظهور آورد جدا نماییم. آیا انقلاب اسلامی ادامه کربلا نیست با همه خصوصیات که کربلا در بر داشت؟

والسلام علیکم ورحمه الله